



آزمون ۸ از ۱۲



شرکت تعاونی خدمات آموزشی کارکنان  
سازمان سنجش آموزش کشور

اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می شود.  
امام خمینی (ره)

**پاسخ تشریحی آزمون آزمایشی  
سنجش یازدهم - مرحله ششم  
(۱۴۰۳/۱۱/۱۲)**

**ادبیات و علوم انسانی (یازدهم)**

کارنامه آزمون، عصر روز برگزاری آن از طریق سایت اینترنتی زیر قابل مشاهده می باشد:

**[www.sanjeshserv.ir](http://www.sanjeshserv.ir)**

**مدیران، مشاوران و دبیران محترم دبیرستان ها و مراکز آموزشی**

به منظور فراهم نمودن زمینه ارتباط مستقیم مدیران، مشاوران و دبیران محترم دبیرستان ها و مراکز آموزشی همکار در امر آزمون های آزمایشی سنجش و بهره مندی از نظرات ارزشمند شما عزیزان در خصوص این آزمون ها ، آدرس پست الکترونیکی [test@sanjeshserv.com](mailto:test@sanjeshserv.com) معرفی می گردد. از شما عزیزان دعوت می شود، دیدگاه های ارزشمند خود را از طریق آدرس فوق با مدیر تولیدات علمی و آموزشی این مجموعه در میان بگذارید.

 **@sanjesheducationgroup**

 **@sanjeshserv**

**کانال های ارتباطی:**

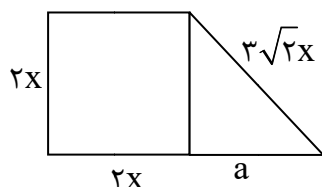
**ریاضی و آمار (۲)**

۱. گزینه ۱ درست است.

ضلع مربع اولیه را  $X$  در نظر می‌گیریم، مساحت دوزنقه را برحسب  $X$  تعیین می‌کنیم:

$$\sqrt{2}X = \text{وتر مثلث} \quad \text{مساحت مثلث} = \frac{X^2}{2} \quad \text{مساحت مربع} = X^2$$

$$\text{مساحت دوزنقه اولیه} = S_1 = X^2 + \frac{X^2}{2} = \frac{3}{2}X^2$$



ابعاد دوزنقه پس از تغییرات، مطابق شکل روبه‌رو است. برای تعیین مساحت دوزنقه در حالت جدید، لازم است اندازه  $a$  مشخص شود. برای این منظور از رابطه فیثاغورث در مثلث قائم‌الزاویه استفاده می‌کنیم.

$$a^2 + (2X)^2 = (3\sqrt{2}X)^2 \Rightarrow a^2 + 4X^2 = 18X^2 \Rightarrow a^2 = 14X^2 \xrightarrow{a>0} a = \sqrt{14}X$$

مساحت دوزنقه در حالت جدید را برحسب  $X$  تعیین می‌کنیم.

$$\text{مساحت مربع جدید} = (2X)^2 = 4X^2$$

$$\text{مساحت مثلث جدید} = \frac{1}{2}(2X)(\sqrt{14}X) = \sqrt{14}X^2$$

$$\text{مساحت دوزنقه جدید} = S_2 = 4X^2 + \sqrt{14}X^2 = (4 + \sqrt{14})X^2$$

اکنون می‌توانیم نسبت مساحت دوزنقه جدید را به مساحت دوزنقه اولیه به‌دست آوریم.

$$\frac{S_2}{S_1} = \frac{(4 + \sqrt{14})X^2}{\frac{3}{2}X^2} = \frac{2}{3}(4 + \sqrt{14})$$

۲. گزینه ۲ درست است.

ضابطه تابع  $f$  را برحسب توان‌های نزولی  $X$  مرتب می‌کنیم.

$$f(x) = -ax^2 + 5x - 2bx + 2x^2 + c - 1 \Rightarrow f(x) = (2-a)x^2 + (5-2b)x + c - 1$$

$$2-a=0 \Rightarrow a=2$$

$$5-2b=-1 \Rightarrow b=3$$

$$c-1=0 \Rightarrow c=1$$

$$y = 2x^2 + 3x + 1 \Rightarrow x_s = -\frac{b}{2a} = -\frac{3}{4}$$

عرض رأس سهمی را به‌دست می‌آوریم.

$$y_s = 2\left(-\frac{3}{4}\right)^2 + 3\left(-\frac{3}{4}\right) + 1 = -\frac{1}{8}$$

چون نمودار تابع  $g$  از نقطه رأس سهمی عبور می‌کند ضابطه آن به‌صورت  $g(x) = -\frac{1}{8}$  است. اکنون می‌توانیم، حاصل

$$(f \times g)(4) = f(4) \times g(4) = -4 \times \left(-\frac{1}{8}\right) = \frac{1}{2}$$

عبارت مورد نظر را به‌دست آوریم.

۳. گزینه ۲ درست است.

با توجه به تعریف قدرمطلق، اگر عبارت درون قدرمطلق را مساوی صفر قرار دهیم و معادله حاصل را حل کنیم،  $a$  به‌دست می‌آید.

$$3 - 2x = 0 \Rightarrow x = \frac{3}{2} \Rightarrow a = \frac{3}{2}$$

برای تعیین **b**، کفایت مقدار  $f(2)$  را محاسبه کنیم.

$$f(2) = |3 - 2(2)| = 1 \Rightarrow b = 1$$

با توجه به نمودار مشخص است که  $m = b = 1$  است.

حاصل عبارت مورد نظر را به دست می آوریم.

$$-\frac{m}{a} = -\frac{1}{\frac{3}{2}} = -\frac{2}{3}$$

۴. گزینه ۴ درست است.

با توجه به این که حقوق دریافتی کارمند پس از کسر مالیات کمی با  $7,500,000$  تومان اختلاف دارد و با توجه به درصدهای مالیاتی، حدس می زنیم میزان حقوق کارمند پیش از کسر مالیات در پله سوم قرار دارد. با این فرض حقوق کارمند را  $X$  در نظر می گیریم.

$$X - 7,464,000 = \frac{15}{1000}(3,200,000) + \frac{4}{100}(7,500,000 - 3,200,000) + \frac{8}{100}(X - 7,500,000)$$

$$\Rightarrow X - \frac{8}{100}X = 48,000 + 172,000 - 600,000 + 7,464,000 \Rightarrow \frac{92}{100}X = 7,084,000$$

$$\Rightarrow X = 7,084,000 \times \frac{100}{92} = 7,700,000$$

با اضافه شدن  $2,300,000$  تومان به حقوق کارمند، حقوق وی ده میلیون تومان خواهد شد. میزان مالیات حقوق ده میلیون تومانی را حساب می کنیم.

$$\frac{15}{1000}(3,200,000) + \frac{4}{100}(7,500,000 - 3,200,000) + \frac{8}{100}(10,000,000 - 7,500,000)$$

$$= 48,000 + 172,000 + 200,000 = 420,000$$

۵. گزینه ۴ درست است.

شرایطی که در مسئله بیان شده، فرآیند اثبات عکس نقیض گزاره است. یعنی گزاره ای که دانش آموز درستی آن را بررسی کرده است، عکس نقیض گزاره اصلی است. پس گزاره اصلی «اگر  $n^2$  فرد باشد، آنگاه  $n$  فرد است.» بوده است.

۶. گزینه ۳ درست است.

روش اول رسم نمودار تابع: جهت رسم تابع  $f$  باید هر سه ضابطه را در بازه مورد نظر در یک دستگاه مختصات رسم کنیم:

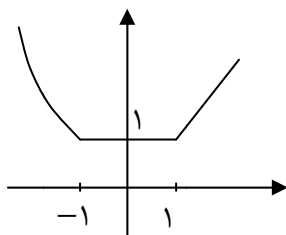
رسم تابع خطی انتخاب دو نقطه  $y_1 = x ; x \geq 1$

x	1	2
y	1	2

خط افقی با عرض ۱  $y_2 = 1 ; -1 < x < 1$

مختصات رأس سهمی  $(0,0)$  و دو نقطه دیگر  $y_3 = x^2 ; x \leq -1$

x	-2	-1	0
y	4	1	0



روش دوم - حل مفهومی: با کمی دقت در گزینه ها مشخص است که ضابطه دوم که خط افقی (تابع ثابت) است و ضابطه سوم که منحنی (تابع درجه دوم) است، در همه گزینه ها یکسان آمده است ولی ضابطه اول که خط مورب (تابع درجه اول) است متفاوت رسم شده است. از آنجایی که ضابطه اول  $y_1 = x$  است و این تابع نیمساز ناحیه اول و سوم است می توان گزینه های ۲ و ۴ را حذف کرد. با توجه به اینکه  $x \geq 1$  در ضابطه اول است پس گزینه ۱ هم نادرست است و گزینه ۳ پاسخ اصلی سؤال است.

۷. گزینه ۴ درست است.

اگر  $f$  تابع همانی باشد، ورودی و خروجی آن باید برابر باشند، پس:

$$[x] - 2 = 3x - [-x] \Rightarrow [x] + [-x] = 3x + 2$$

می دانیم که  $[x] + [-x] = \begin{cases} 0 & x \in \mathbb{Z} \\ -1 & x \notin \mathbb{Z} \end{cases}$ ، پس در دو حالت باید معادله فوق را بررسی کنیم:

الف) مقدار  $[X] + [-X]$  برابر صفر باشد که باید  $X \in \mathbb{Z}$  باشد:

$$3X + 2 = 0 \Rightarrow X = -\frac{2}{3}$$

با توجه به اینکه تساوی فوق به ازای  $X \in \mathbb{Z}$  شکل می‌گیرد، پس  $X = -\frac{2}{3}$  غیرقابل قبول است.

ب) مقدار  $[X] + [-X]$  برابر -۱ باشد که باید  $X \notin \mathbb{Z}$  باشد:

$$3X + 2 = -1 \Rightarrow X = -1$$

با توجه به اینکه تساوی فوق به ازای  $X \notin \mathbb{Z}$  شکل می‌گیرد، پس  $X = -1$  غیرقابل قبول است.  
پس هیچ مقداری برای  $X$  به دست نمی‌آید.

۸. گزینه ۲ درست است.

$$f(x) = |x| \xrightarrow{\text{واحد به راست } 3} |x-3| \xrightarrow{\text{واحد به پایین } 2} |x-3|-2$$

$$\xrightarrow[\text{محور } x]{\text{قرینه نسبت به}} g(x) = -|x-3|+2$$

حال برای محاسبه  $g(-1)$  کافی است به جای  $X$  مقدار -۱ را قرار دهیم:

$$g(-1) = -|-1-3|+2 = -|-4|+2 = -(4)+2 = -4+2 = -2$$

۹. گزینه ۴ درست است.

مقدار  $1 - \sqrt{2}$  منفی است پس:

$$f(x) = \text{sign}(x) \Rightarrow f(1 - \sqrt{2}) = \text{sign}(1 - \sqrt{2}) \stackrel{1 - \sqrt{2} < 0}{=} -1$$

$$g(x) = [x - 2] = \left[ \frac{1}{2} - 2 \right] = \left[ -\frac{3}{2} \right] = -2$$

$$f(1 - \sqrt{2}) + g\left(\frac{1}{2}\right) = -1 + (-2) = -1 - 2 = -3$$

و در نهایت

۱۰. گزینه ۲ درست است.

اشتباه در مرحله ۳ و در هنگام ضرب طرفین در مقدار  $c$  رخ داده است. از آنجا که مقدار  $c$  را نمی‌دانیم و ممکن است  $c$  مقداری منفی داشته باشد، که در این صورت باید جهت نامعادله را عوض می‌کردیم.

۱۱. گزینه ۱ درست است.

طبق هم‌ارزی  $p \Rightarrow q \equiv \sim p \vee q$  داریم که نقیض آن به صورت  $p \wedge \sim q$  می‌باشد.

$p \Rightarrow q$ : اگر ۲ زوج است آنگاه  $\sqrt{2}$  عددی گنگ است. که هم‌ارز نقیض آن به صورت زیر بیان می‌شود:

$p \wedge \sim q$ : ۲ زوج است و  $\sqrt{2}$  گنگ نیست.

۱۲. گزینه ۳ درست است.

$$\left[ \frac{3-2x}{4} \right] = 1 \Rightarrow 0 \leq \frac{3-2x}{4} < 1 \xrightarrow{\times 4} 0 \leq 3-2x < 4 \xrightarrow{-3} -3 \leq -2x < 1$$

$$\xrightarrow{\div (-2)} -\frac{1}{2} < x \leq \frac{3}{2}$$

حال مقدار  $[X]$  را در این محدوده به دست می‌آوریم:

$$-\frac{1}{2} < x < 0 \rightarrow [X] = -1$$

$$0 \leq x < 1 \rightarrow [X] = 0$$

$$1 \leq x \leq \frac{3}{2} \rightarrow [X] = 1$$

بنابراین ۳ مقدار برای  $[X]$  خواهیم داشت.

۱۳. گزینه ۳ درست است.

$$\text{الف) } f(-3/9) \xrightarrow{-3/9 \leq -\sqrt{5}} f(x) = \left[\frac{x}{3}\right] \xrightarrow{x=-3/9}$$

$$f(-3/9) = \left[\frac{-3/9}{3}\right] = [-1/3] = -2$$

$$\text{ب) } f\left(\frac{4}{5}\right) \xrightarrow{\frac{4}{5} \geq -\sqrt{2}} f(x) = |2 - 5x| \xrightarrow{x=\frac{4}{5}} f\left(\frac{4}{5}\right) = \left|2 - 5\left(\frac{4}{5}\right)\right| = |-2| = 2$$

$$2\text{sign}(f(-3/9)) + 3f\left(\frac{4}{5}\right) = 2\text{sign}(-2) + 3(2) = 2(-1) + 6 = 4$$

۱۴. گزینه ۴ درست است.

هر یک از گزینه‌ها را بررسی می‌کنیم:

نکته:  $p \Rightarrow q \equiv \sim p \vee q$

$$۱) \sim(\sim p \Rightarrow q) \equiv \sim(p \vee q) \equiv \sim p \wedge \sim q$$

$$۲) \sim r \vee (p \wedge r) \equiv (\sim r \vee p) \wedge (\sim r \vee r) \equiv (\sim r \vee p) \wedge T \equiv p \vee \sim r$$

$$۳) \sim(p \Leftrightarrow q) \equiv \sim(p \Leftrightarrow \sim q) \equiv p \Leftrightarrow \sim q$$

$$۴) (p \Rightarrow q) \wedge p \equiv q \quad \times \quad \text{استدلال قیاسی}$$

۱۵. گزینه ۱ درست است.

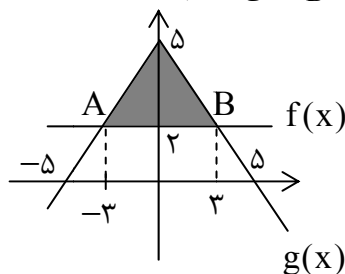
نمودار تابع‌های  $f$  و  $g$  را رسم می‌کنیم:

مساحت مثلث هاشورخورده مورد نظر است، برای به‌دست آوردن قاعده مثلث کافی است دو تابع  $f$  و  $g$  را قطع دهیم تا طول نقاط  $A$  و  $B$  به‌دست آید:

$$f = g \Rightarrow 2 = 5 - |x| \Rightarrow |x| = 3 \Rightarrow x = \pm 3$$

بنابراین  $x_B = 3$  و  $x_A = -3$  می‌باشد پس طول قاعده یا اندازه ضلع  $AB$  برابر ۶ و ارتفاع مثلث برابر ۳ می‌باشد:

$$\text{مساحت مثلث} = \frac{\text{ارتفاع} \times \text{قاعده}}{2} \rightarrow S = \frac{6 \times 3}{2} = 9$$



## علوم و فنون ادبی (۲)

۱۶. گزینه ۴ درست است.

شاعران این دوره تشخیص داده بودند که سبک عراقی از واقعیت دور شده و کاملاً جنبه ذهنی و تخیلی یافته است. (ص ۵۸، ۵۹؛ سطح دشواری: متوسط)

۱۷. گزینه ۱ درست است.

در قرن دهم، دو جریان شعری بیشتر رونق داشت: یکی شعر لطیف و فصیحی بود که به‌طور طبیعی و به شیوه کسانی مثل حافظ و سعدی در جریان بود و باباغانی شیرازی از نمایندگان آن است. دیگری مکتب وقوع که نتیجه چاره‌اندیشی شاعران برای تغییر سبک و رهایی از گرفتاری تقلید بود و بازتاب طبیعی محیط اجتماعی قرن دهم بود که البته راه به جایی نبرد. مکتب وقوع به سبکی از شعر فارسی گفته می‌شود که در اواخر قرن نهم و اوایل قرن یازدهم (بیشتر در قرن دهم) رواج داشت. سادگی، پرهیز از صنایع بدیعی و اغراق‌های شاعرانه از ویژگی‌های آن است. (ص ۵۸؛ سطح دشواری: آسان)

۱۸. گزینه ۲ درست است.

- او را خداوندگار مضامین تازه شعری دانسته‌اند و بسیاری از تکبیتی‌هایش به صورت ضرب‌المثل رواج یافته‌اند. ← صائب تبریزی  
- در ابداع معانی و خیال‌های رنگین مشهور است و خَلّاق‌المعانی ثانی لقب گرفته است. ← کلیم کاشانی  
- در سرودن شعر مذهبی معروف و ترکیب‌بند عاشورایی او زبانزد است. ← محتشم کاشانی  
\* نکته: محتشم کاشانی را با کلیم کاشانی (خلاق‌المعانی ثانی) اشتباه نگیرید! شهرت محتشم، بیشتر شعرهای مذهبی و عاشورایی است که از او به جا مانده است.

(ص ۶۰، ۶۱؛ سطح دشواری: آسان)

۱۹. گزینه ۲ درست است.

حکومت صفوی به شعر ستایشی و درباری و عاشقانه‌های زمینی، بی توجه بود.  
(ص ۶۰؛ سطح دشواری: متوسط)

۲۰. گزینه ۴ درست است.

«بهزاد» در دوره شاه‌اسماعیل از مفاخر هنر بود.  
(ص ۶۰؛ سطح دشواری: دشوار)

۲۱. گزینه ۳ درست است.

رفاه اقتصادی مردم در دوره صفوی و آبادانی شهرهای ایران و رونق تجارت و کسب‌وکار، این امکان را برای همه مردم فراهم آورده بود که هرکس به اندازه توان خود به امور فرهنگی از جمله ادبیات بپردازد. از طرف دیگر به سبب آشنایی ایرانیان با اروپا، مراکز تجمعی مثل قهوه‌خانه نیز دایر شد و شاعران در آنجا به مشاعره، مناظره و نقد آثار یکدیگر می‌پرداختند.  
(ص ۶۰، ۶۱؛ سطح دشواری: متوسط)

۲۲. گزینه ۳ درست است.

وزن این شعر «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» و قافیۀ آن «شراری، نی‌سواری، آیینه‌داری ...» از وزن‌ها و قافیۀهای پرکاربرد زبان فارسی است.  
(ص ۶۱؛ سطح دشواری: متوسط)

۲۳. گزینه ۴ درست است.

واژه «سر» در گزینه ۴ در معنای حقیقی آن آمده است.  
بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) واژه «سر» در مصراع دوم، در معنای مجازی «قصد و نیت» است.
- ۲) واژه «سر» در این بیت، در معنای مجازی «قصد و اراده» است.
- ۳) واژه «سر» در این بیت هم در معنای «قصد و اندیشه» آمده است.  
(درس ۶؛ سطح دشواری: متوسط)

۲۴. گزینه ۴ درست است.

در این گزینه، واژه «دست» در معنای حقیقی به کار رفته است.  
بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) گل: مجاز از «بهار»
- ۲) سینه: مجاز از «دل»
- ۳) عالم: مجاز از «مردم عالم»  
(درس ۶؛ سطح دشواری: متوسط)

۲۵. گزینه ۱ درست است.

هیچ‌یک از ابیات «الف، ب» آرایه مجاز ندارند.  
در بیت «پ» واژه «تگین» در معنای مجازی «نگشتر» آمده است.  
در بیت «ت» واژه «ایران» در معنای «مردم» است.  
در بیت «ث» واژه‌های «بوق و کوس» در معنای «صدای بوق و کوس» است.  
(درس ۶؛ سطح دشواری: متوسط)

۲۶. گزینه ۳ درست است.

واژه «دشت» در این بیت، در معنای حقیقی «دشت و صحرا» آمده است.

بررسی دیگر گزینه‌ها:

(۱) پیمانه: در معنای مجازی «شراب» است.

(۲) سر: در معنای مجازی «قصد و نیت» است.

(۴) خون: در معنای مجازی «کشتن» است.

(درس ۶؛ سطح دشواری: دشوار)

۲۷. گزینه ۴ درست است.

در بیت گزینه ۴، سه بار واژه‌هایی در معنای مجازی به کار رفته‌اند که بین معنای حقیقی و معنای مجازی آن‌ها که مورد نظر شاعر است، رابطه شباهت وجود دارد.

این واژه‌ها عبارتند از:

۱- ماه سرو بالا: در معنای «معشوق» ۲- نرگسان: در معنای «دو چشم» ۳- لؤلؤ لالا (مروارید درخشان): در معنای «اشک»

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) واژه‌های «برف» و «پرّ زاغ» در معنای مجازی به کار رفته‌اند که معنای حقیقی و معنای مجازی آن‌ها با هم رابطه شباهت دارند: ۱- برف: در معنای «موی سفید» ۲- پرّ زاغ: در معنای «موی سیاه»

(۲) واژه «سرو» در معنای «یار و معشوق» است که با معنای حقیقی آن، رابطه شباهت دارد.

(۳) عالم: در معنای مجازی «مردم عالم» به کار رفته است؛ اما بین معنای حقیقی و مجازی آن، رابطه شباهت وجود ندارد.

(درس ۶؛ سطح دشواری: دشوار)

۲۸. گزینه ۲ درست است.

در گزینه ۲، واژه «نرگس» در معنای «چشم» است که بین «چشم» و «نرگس» رابطه شباهت وجود دارد.

تذکر: در علم بیان، به این گونه کاربرد مجازی واژه‌ها که واژه‌ای را به جای واژه‌ای دیگر به خاطر شباهتی که بین آن‌ها وجود دارد به کار می‌برند، «استعاره» می‌گویند.

در دیگر گزینه‌ها نیز واژه‌هایی در معنای مجازی به کار رفته‌اند؛ اما بین این واژه‌ها و معنای مجازی آن‌ها رابطه شباهت وجود ندارد.

(۱) سینه: در معنای مجازی «دل» است.

(۳) جهان: در معنای مجازی «مردم جهان» است.

(۴) گوش: در معنای مجازی «انسان جاسوس» است.

(درس ۶؛ سطح دشواری: دشوار)

۲۹. گزینه ۳ درست است.

واژه «خوشحالان» بر وزن «مفعولن: ---» است؛ در حالی که بقیه واژه‌های این گزینه بر وزن «فَعولُن: --» هستند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) همه واژه‌ها بر وزن «مَفَاعِلُن: --U-U» هستند.

(۲) همه واژه‌ها بر وزن «فَاعِلَاتُن: --U-» هستند.

(۴) همه واژه‌ها بر وزن «مَفَاعِلُن: ---U» هستند.

(ص ۴۳؛ سطح دشواری: آسان)

۳۰. گزینه ۲ درست است.

اگر بیت صورت سؤال را براساس پایه‌های آوایی تقطیع کنیم، درمی‌یابیم که تکرار چهار بار پایه آوایی «فَاعِلَاتُن» آهنگ این بیت را به وجود آورده است. بنابراین توضیح، وزن و آهنگ واژه گزینه (۲) با وزن و آهنگ پایه‌های بیت صورت سؤال، یکی است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) بر وزن «مستفعلن»

(۳) بر وزن «مَفَاعِلُن»

(۴) بر وزن «مَفْتَعِلُن»

(درس ۵؛ سطح دشواری: متوسط)

۳۱. گزینه ۳ درست است.

اگر یک مصراع از هر گزینه را تقطیع کنیم و پایه‌های آوایی آن‌ها را تعیین کنیم، درمی‌یابیم که فقط وزن گزینه (۳) با وزن واژه‌های مقابل آن مطابقت دارد.

وزن درست دیگر گزینه‌ها چنین است:

(۱) فاعلاتن، فاعلتن، فاعلن

(۲) مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعی = (فَعُولُن)

(۴) مَفَاعِلُن، فَعِلَاتُن، مَفَاعِلُن، فَعِلُن

(درس ۵؛ سطح دشواری: دشوار)

۳۲. گزینه ۳ درست است.

اگر بیت صورت سؤال را تقطیع هجایی کنیم و آن را در پایه‌های آوایی سه هجایی قرار دهیم وزنی تکراری به دست می‌آوریم که از تکرار چهار پایه آوایی «فَعُولُن = U--» حاصل شده است. با این تفاوت که پایه پایانی مصراع، یک هجا کمتر دارد. این نوع وزن در گزینه (۳) نیز وجود دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ و ۴) نیز وزنی معادل بیت صورت سؤال دارند؛ با این تفاوت که در پایه یا رکن پایانی مصراع، هیچ هجایی حذف نشده است.

۲) وزنی متفاوت دارد که با توجه به ترتیب هجاهای کوتاه و بلند بیت، وزن آن از تکرار سه پایه آوایی «مَفَاعِلُن = U--» حاصل شده است.

(درس ۵؛ سطح دشواری: دشوار)

۳۳. گزینه ۱ درست است.

تقطیع هجایی و تعیین پایه‌های آوایی یک مصراع از گزینه (۱) نشان می‌دهد که وزن این بیت از پایه‌های «مُفْتَعَلُن، مُفْتَعَلُن، فاعِلُن» ایجاد شده است. درحالی‌که ترتیب هجاها و تعیین پایه‌های آوایی گزینه‌های (۲، ۳ و ۴) از وزن تکراری «فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن» به‌وجود آمده است.

(درس ۵؛ سطح دشواری: دشوار)

۳۴. گزینه ۲ درست است.

اگر بیت گزینه (۲) را براساس پایه‌های آوایی تقطیع کنیم، هر مصراع از آن، از چهار پایه آوایی تکراری و همسان «فَعُولُن : U--» تشکیل شده است با این تفاوت که در پایه پایانی آن، یک هجای بلند حذف شده است و به صورت «فَعَل : U--» آمده است؛ بنابراین، تمام پایه‌ها از نظر تعداد هجا با هم یکسان نیستند و پایه پایانی آن، یک هجا از دیگر پایه‌ها کمتر دارد.

(۱) از تکرار چهار پایه همسان «فَعُولُن : U--» تشکیل شده است.

(۳) از تکرار چهار پایه همسان «مَفَاعِلُن : U--» تشکیل شده است.

(۴) از تکرار دو پایه همسان «فَعِلَاتُ / فاعِلَاتُن = U-U / U--»، «فَعِلَاتُ / فاعِلَاتُن : U-U / U--» حاصل شده است و هریک از پایه‌های آوایی مصراع، از چهار هجا تشکیل شده است.

(درس ۵؛ سطح دشواری: دشوار)

۳۵. گزینه ۴ درست است.

اگر پایه‌های آوایی گزینه (۴) را تعیین کنیم، در می‌یابیم که وزن این بیت از تکرار دو بار «مَفْتَعَلُن، مَفَاعِلُن» ساخته شده است و یک وزن همسان دولختی را ایجاد کرده است.

تقطیع هجایی و تعیین پایه‌های آوایی و وزن واژه‌های مصراع اول همه گزینه‌ها، چنین است :

گزینه (۱) :

ت ب گو یم	غ م دل با	چ ب یا یی	گف ت بو دم	پایه‌های آوایی مصراع(۱):
--UU	--UU	--UU	--U-	الگوی هجایی:
فَعِلَاتُن	فَعِلَاتُن	فَعِلَاتُن	فاعلاتن	وزن واژه:



گزینه (۲)

پایه‌های آوایی مصراع (۱):	تَبْ هَا كِ شَ	مَزْ هِج رِ تْ	شَبْ هَا يِ جْ	دا یی
الگوی هجایی:	UU- -	UU- -	UU- -	- -
وزن واژه:	مُسْتَفْعَلُ	مُسْتَفْعَلُ	مُسْتَفْعَلُ	فَعْلُنْ

گزینه (۳)

پایه‌های آوایی مصراع (۱):	نِیْمِ شَبْ پِی	گَمْ كُنْ نَانِ تَا	كُوِ جَانِ	آ مَ دَم
الگوی هجایی:	--U-	--U-	--U-	-U-
وزن واژه:	فَاعِلَاتُنْ	فَاعِلَاتُنْ	فَاعِلَاتُنْ	فَاعِلُنْ

گزینه (۴)

پایه‌های آوایی مصراع (۱):	ذَرْدِ فِ رَا	قِ مَن كِ شَمِّ	نَا لِ بِ نَا	ی چُن رِ سَد
الگوی هجایی:	-UU-	-U-U	-UU-	-U-U
وزن واژه:	مُفْتَعَلُنْ	مَفَاعِلُنْ	مُفْتَعَلُنْ	مَفَاعِلُنْ

(درس ۵؛ سطح دشواری: دشوار)

۳۶. گزینه ۳ درست است.

در این بیت، شاعر (حافظ) از فراق گله دارد و می‌گوید که روزگار فراق، جزو عمر به حساب نمی‌آید. اما سایر ابیات از ناپایداری جهان و بی‌ثبات بودن عمر سخن می‌گویند.

(ص ۶۲؛ سطح دشواری: دشوار)

۳۷. گزینه ۲ درست است.

این بیت به «بی‌توجهی معشوق» اشاره دارد؛ اما سایر ابیات می‌گویند که سرمنشأ همهٔ افعال و اعمال فقط خداست.

(ص ۵۶؛ سطح دشواری: متوسط)

۳۸. گزینه ۱ درست است.

در این بیت شاعر می‌گوید که جان نازنین آدمی، در روز قیامت، از دست نفس بدکردار خود، ملامت‌ها و سرزنش‌های بسیاری می‌شنود. اما سایر ابیات به مفهوم «ملامت‌پذیری عاشق» اشاره دارند و می‌گویند که عاشق از ملامت و سرزنش باکی ندارد.

(ص ۵۵؛ سطح دشواری: دشوار)

۳۹. گزینه ۱ درست است.

این بیت می‌گوید غم عشق را فقط به کسی می‌توان گفت که خود، عاشقِ هجران کشیده باشد. مفهوم سایر ابیات، به‌درستی ذکر شده است.

(ص ۵۳، ۵۵، ۶۲؛ سطح دشواری: متوسط)

۴۰. گزینه ۴ درست است.

این بیت هم مثل بیتِ مندرج در صورت سؤال، می‌گوید که تکیه بر دوست و توکل بر او، موجب عدم نگرانی است.

(ص ۴۷؛ سطح دشواری: دشوار)

**جامعه‌شناسی (۲)**

۴۱. گزینه ۳ درست است.

زمانی که بحران اقتصادی رخ می‌دهد، قدرت خرید مصرف‌کنندگان کاهش می‌یابد، در نتیجه تولیدکنندگان بازار فروش خود را از دست می‌دهند و در آخر کارخانه‌ها تعطیل شده و کارگران بیکار می‌شوند.

(جامعه‌شناسی (۲) - درس ۱۱، ص ۹۲ تا ۹۳؛ سطح دشواری: دشوار)

۴۲. گزینه ۱ درست است.

در تاریخ اقتصادی سرمایه‌داری غرب، بحران‌های اقتصادی به‌طور متناوب و با شدت و ضعف‌های متفاوت پدید آمده‌اند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) زبان‌های اقتصادی مربوط به بحران‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳ م. کمتر از زبان‌های جنگ جهانی اول نبود.

(۳) بحران اقتصادی آسیبی است که **نظام اقتصادی** را دچار اختلال می‌کند و **اغلب دوره‌ای و مقطعی** است.

(۴) بحران اقتصادی سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳، موجب ورشکستگی و بیکاری هزاران مؤسسه اقتصادی و میلیون‌ها کارگر شد. (جامعه‌شناسی (۲) - درس ۱۱، ص ۹۲؛ سطح دشواری: متوسط)

**۴۳. گزینه ۴ درست است.**

بررسی عبارت‌های نادرست:

- انسان مدرن به دلیل نگاه سکولار و دنیوی خود، نگاه دینی و معنوی به طبیعت را کودکانه می‌پندارد.

- انسان مدرن تصرف در طبیعت را تنها با فنون و روش‌های تجربی (نه عقلی) انجام می‌دهد.

(جامعه‌شناسی (۲) - درس ۱۱، ص ۹۵؛ سطح دشواری: دشوار)

**۴۴. گزینه ۲ درست است.**

بررسی عبارت‌های نادرست:

(۱) بحران‌های اقتصادی با شکل‌گیری اقتصاد جهانی و کاهش مرزهای سیاسی و جغرافیایی، به سرعت آثار و پیامدهای خود را در **سطح جهان** آشکار می‌سازد.

(۳) همهٔ پیامدهای خوب و بد کنش‌های افراد و جوامع صرفاً متوجه خودشان نیست و بسیاری از بحران‌ها در **مناطق خاص** پدید می‌آیند ولی به سایر نقاط دنیا **گسترش** می‌یابند.

(۴) بحران هنگامی ایجاد می‌شود که برخی از تغییرات درونی و بیرونی تعادل نظام را بر هم زند و نظام نتواند با مهار آن‌ها، تعادل خود را به دست آورد، در واقع **بحران‌ها، چالش‌هایی** با ابعاد گسترده‌تر و عمیق‌تر هستند.

(جامعه‌شناسی (۲) - درس ۱۱، ترکیبی؛ سطح دشواری: دشوار)

**۴۵. گزینه ۲ درست است.**

- امروزه بحران، **محیط زیست** به منطقهٔ خاصی محدود نمی‌شود.

- **چالش فقر و غنا**، همیشگی است.

- **بحران اقتصادی**، اغلب دوره‌ای و مقطعی است.

- بحران **محیط زیست** ناشی از رویکرد انسان مدرن و فرهنگ معاصر غرب است.

(جامعه‌شناسی (۲) - درس ۱۱، ص ۹۵؛ ترکیبی؛ سطح دشواری: دشوار)

**۴۶. گزینه ۴ درست است.**

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) درست - نادرست (بعد از انقلاب صنعتی، جنگ از جامعه بشری رخت بر می‌بندد).

(۲) درست - نادرست (جنگ در فرهنگ غربی، امری عارضی و تحمیلی است).

(۳) نادرست (جنگ‌های جهانی در نیمهٔ اول قرن بیستم واقع شدند) - درست

(جامعه‌شناسی (۲) - درس ۱۰، ص ۸۴؛ سطح دشواری: متوسط)

**۴۷. گزینه ۳ درست است.**

نادرست - درست، بعد از جنگ جهانی دوم صلحی پایدار برقرار نشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) نادرست - نادرست؛ نظریه‌پردازان غربی پس از فروپاشی بلوک شرق (نه پس از جنگ جهانی دوم) جنگ را از کشورهای غربی به فرهنگ‌ها و تمدن‌هایی منتقل کرده‌اند که در دوران استعمار، تحت سلطهٔ جهان غرب قرار گرفته بودند. از تقابل کشورهای فقیر و غنی (نه بلوک شرق و بلوک غرب) به تقابل شمال و جنوب یاد می‌کنند.

(۳) درست - درست

(۴) درست - نادرست؛ عبارت دوم این گزینه مربوط به کسانی است که در اصطلاح استعمارگر و استعمارزده (نه شمال و جنوب) را به کار می‌برند.

(جامعه‌شناسی (۲) - درس ۱۰، ص ۸۵؛ سطح دشواری: دشوار)

۴۸. گزینه ۲ درست است.

جوامع غربی با ثروتی که از کشورهای پیرامونی به دست می‌آورند، رفاه کارگران و اقشار جوامع خود را تأمین می‌کنند و مشکلات حاد درونی‌شان را به بیرون از مرزهای خود انتقال می‌دهند. آن‌ها سرمایه‌گذاری‌های مشترک و معاهدات بین‌المللی انتقال ثروت از کشورهای پیرامونی به مرکزی را مدیریت می‌کنند.  
(جامعه‌شناسی (۲) - درس ۱۰، ص ۸۹؛ سطح دشواری: دشوار)

۴۹. گزینه ۴ درست است.

- بحران موشکی کوبا، جهان را تا آستانه جنگ جهانی سوم پیش برد.  
- قالب توجهی رفتار دو طرف جنگ‌های جهانی اندیشه‌های ناسیونالیستی، لیبرالیستی و سوسیالیستی است.  
- جنگ گرم بعد از جنگ جهانی دوم بین مناطق پیرامونی دو بلوک می‌باشد.  
- جهنمی‌ترین جنگ قرن بیستم، جنگ ویتنام نام دارد.  
(جامعه‌شناسی (۲) - درس ۱۰، ص ۸۵؛ سطح دشواری: متوسط)

۵۰. گزینه ۳ درست است.

از کشورهای صنعتی و ثروتمند با عنوان کشورهای توسعه‌یافته یاد می‌شود و به کشورهای دیگر هنگامی که با آن‌ها مقایسه می‌شوند، کشورهای عقب‌مانده یا توسعه‌نیافته می‌گویند که این اصطلاحات به این نکته اشاره دارد که کشورهای توسعه‌یافته الگوی کشورهای دیگرند و سایر کشورها باید مسیر کشورهای توسعه‌یافته را ادامه دهند و دو اصطلاح استعمارگر و استعمارزده را کسانی به کار می‌برند که چالش و نزاع بین غنی و فقیر را به ابعاد اقتصادی محدود نمی‌کنند و مشکل کشورهای فقیر را نه فقط ضعف اقتصادی و صنعتی بلکه خودباختگی آنان می‌دانند.  
(جامعه‌شناسی (۲) - درس ۱۰، ص ۸۸؛ سطح دشواری: دشوار)

۵۱. گزینه ۴ درست است.

- در اثر عوامل خارجی پدید می‌آیند ← چالش‌های عارضی  
- به حمایت و دستگیری از فقرا قائل نبود ← لیبرالیسم اولیه (لیبرالیسم قرن‌های هجدهم و نوزدهم)  
- مخالفان و طرفداران سرمایه‌داری طی قرن بیستم ← شکل‌گیری دو بلوک شرق و غرب  
(جامعه‌شناسی (۲) - درس ۹، ص ۷۵، ۷۶ تا ۷۹؛ سطح دشواری: دشوار)

۵۲. گزینه ۲ درست است.

بررسی عبارتهای نادرست:  
پ) بعد از انقلاب فرانسه، طرفداران لیبرالیستی در طرف راست و منتقدان این نظریه در طرف چپ مجلس فرانسه قرار می‌گرفتند.  
ت) بیشتر رویکرد اقتصادی و فردی داشت و در ظاهر باعث رهایی کشاورزان از قید و بندهای پیشین شد.  
(جامعه‌شناسی (۲) - درس ۹، ص ۷۶، ۷۸ و ۷۹؛ سطح دشواری: دشوار)

۵۳. گزینه ۳ درست است.

بررسی عبارات نادرست:  
- جوامع سوسیالیستی با انتقاد از لیبرالیسم اولیه، عدالت اجتماعی و توزیع مناسب ثروت را شعار خود قرار دادند.  
- مخالفان سرمایه‌داری که جریان چپ نام گرفته بودند، احزاب سوسیالیستی و کمونیستی را تشکیل دادند.  
(جامعه‌شناسی (۲) - درس ۹، ص ۷۹ و ۸۰؛ سطح دشواری: متوسط)

۵۴. گزینه ۴ درست است.

- در نیمه دوم قرن نوزدهم، لیبرالیسم اقتصادی را نقد کرد ← مارکس  
- کسانی که در فقر متولد می‌شوند، حق حیات ندارند ← مالتوس  
- اگر حکومتگران بگذارند سرمایه، پرسودترین راه خود را دنبال کند، کالاها قیمت مناسب داشته باشند و ... پیشرفت کشور را به بهترین وجه تأمین خواهد شد ← ریکاردو  
- بر سر سفره گسترده طبیعت جایی برای کسی که نتوانسته حق خودش را از والدینش بگیرد، وجود ندارد و طبیعت حکم به رفتن او می‌دهد ← مالتوس  
(جامعه‌شناسی (۲) - درس ۹، ص ۷۷ و ۷۹؛ سطح دشواری: دشوار)

۵۵. گزینه ۲ درست است.

این چالش، چالشی منطقه‌ای نبود، بلکه چالشی جهانی بود. بلوک شرق و غرب با دو اقتصاد و سیاست متفاوت، جهان را به دو قطب اصلی تقسیم کرده بودند و آمریکا و شوروی به‌عنوان دو ابرقدرت در مرکز این دو قطب قرار داشتند. این دو قطب با اینکه از نظر سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی در دو بخش متمایز و جدا قرار می‌گرفتند، به فرهنگ واحدی تعلق داشتند؛ یعنی هر دو بلوک درون فرهنگ سکولار غرب قرار داشتند. چالش بلوک شرق و غرب از نوع چالش‌هایی بود که درون یک فرهنگ و تمدن پدید می‌آید، نه از نوع چالش‌هایی که بین فرهنگ‌های مختلف، شکل می‌گیرد.  
(جامعه‌شناسی (۲) - درس ۹، ص ۸۰ و ۸۱؛ سطح دشواری: متوسط)

**تاریخ (۲)**

۵۶. گزینه ۲ درست است.

برخی از بنیان‌گذاران سلسله‌های ایرانی بعد از اسلام از میان مردم عادی برخاسته و به قدرت رسیدند. (الف) همچنین، روابط حکومت علویان طبرستان با خلافت عباسی به دلیل شیعه بودن این حکومت، همواره خصومت‌آمیز بود. (ت) اما یعقوب لیث صفاری که حکومت صفاریان را در سیستان بنیان نهاد، اصالتاً اهل هرات نبوده، (ب) ایشان روی‌گزارده‌ای از دهی به نام «قَرَنین» سیستان بود. همچنین، حاکمان طاهری و سامانی علی‌رغم این که تابع خلافت عباسی بودند، اما در اداره قلمرو حکومت خود از استقلال کاملی برخوردار بوده و با اراده و اختیار خود درباره مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سرزمین‌های تحت فرمان، تصمیم‌گیری و عمل می‌کردند. (پ)  
(تاریخ (۲) - درس ۹، ص ۹۲ و ۹۰؛ سطح دشواری: متوسط)

۵۷. گزینه ۴ درست است.

با توجه به این که یعقوب لیث علاقه‌مند به فرهنگ ایرانی بود، اگر حکومت مستقلی تشکیل می‌داد، یقیناً زبان فارسی و سرودن اشعار فارسی رونق بیشتری می‌گرفت. همچنین، چون ایشان حکومت طاهریان را از بین برد، در صورت پیروزی بر عباسیان، می‌توانست در ایران یک حکومت یک پارچه و مستقل ایجاد کند. اما یعقوب لیث شیعه نبوده؛ بلکه سنی مذهب بود و دلیل اختلاف با عباسیان، بلعکس علویان طبرستان به خاطر مباحث مذهبی نبود. همچنین، یعقوب لیث روابط خوبی با خوارج و کفار مرزهای شرقی نداشت، بلکه دائم با آنان مبارزه داشت و اصلاً به دلیل جهاد با کفار مرزهای شرقی و غلبه بر خوارج آن ناحیه خلیفه عباسی حکومت سیستان، کابل و بلخ را برای وی فرستاد.  
(تاریخ (۲) - درس ۹ - ص ۹۲ و ۹۰؛ سطح دشواری: دشوار)

۵۸. گزینه ۱ درست است.

برخی از حاکمان ایرانی در دوره سلسله‌های ایرانی بعد از اسلام، به سبب تمایلات توسعه‌طلبانه و یا به واسطه تشویق و تحریک خلفای عباسی با یکدیگر ستیز داشتند.  
(تاریخ (۲) - درس ۹، ص ۹۴؛ سطح دشواری: متوسط)

۵۹. گزینه ۲ درست است.

آل بویه بغداد را تسخیر کردند، اما خلافت را از بین نبردند. امیران آن‌ها بیش از یک قرن خلافت عباسی را تحت سلطه خویش داشتند و عزل و نصب خلیفه به میل آنان انجام می‌گرفت. البته آل بویه حرمت و شأن خلافت را نگه می‌داشتند و چنین وانمود می‌کردند که تابع خلیفه هستند.  
(تاریخ (۲) - درس ۹، ص ۹۳؛ سطح دشواری: آسان)

۶۰. گزینه ۱ درست است.

طغرل سلجوقی پس از تصرف نیشابور، این شهر را به‌عنوان مرکز حکومت خود برگزید و سپس شهرها و مناطق مختلف ایران را یکی پس از دیگری تسخیر کرد. وی سرانجام به بغداد رفت و خلیفه عباسی را از تسلط آل بویه شیعه مذهب درآورد و منجی خلافت معرفی کردند. خلیفه نیز حکومت ایران و عراق را به او بخشید و دستور داد که نام وی را در خطبه بخوانند و سکه به نام او زدند. خلیفه همچنین لقب «سلطان رکن‌الدوله» را به طغرل داد.  
(تاریخ (۲) - درس ۱۰، ص ۱۰۲ و ۱۰۳؛ سطح دشواری: دشوار)

۶۱. گزینه ۲ درست است.

در زمان آلب ارسلان، جانشین طغرل، سلجوقیان در نبردی بزرگ که در ملازگرد رخ داد سپاهیان امپراتوری سوم شرقی را شکست دادند، امپراتور را اسیر کردند و آسیای صغیر را به متصرفات خود افزودند. در آن زمان، قلمرو سلجوقیان از رود سیحون در شرق تا دریای مدیترانه گسترش یافت. این وسیع‌ترین قلمرو یک حکومت در ایران دوران اسلامی بود. توسعه قلمرو سلجوقیان در آسیای صغیر، موجب مهاجرت قبایل و طوایف ترک به آن منطقه و تغییر وضعیت سیاسی و فرهنگی این ناحیه شد. (تاریخ (۲) - درس ۱۰، ص ۱۰۳؛ سطح دشواری: دشوار)

۶۲. گزینه ۱ درست است.

در عصر سلجوقی، دیوان وزارت که وزیر در رأس آن قرار داشت به شکوهمندی بی‌نظیری رسید. همه دیوان‌های سلجوقی زیر نظر وزیر کار می‌کردند. با این حال، وزیر در منصب خود هیچ امنیتی نداشت. آنچه سبب تداوم کار وی می‌شد، اراده و خواست سلطان بود. نظام اداری دوره خوارزمشاهیان تداوم نظام اداری سلجوقی بود، با این تفاوت که اختیارات برخی دیوان‌ها نسبت به دوره سلجوقی کم شد، برخی دیگر تغییر نام یافت و برخی دیوان‌های جدید نیز تشکیل شد؛ برای نمونه، در این دوره، قدرت و نقش وزیر نسبت به دوره سلجوقی به شدت کاهش یافت و حتی در مواردی منصب وزیر حذف شد. (تاریخ (۲) - درس ۱۰، ص ۱۰۶ و ۱۰۷؛ سطح دشواری: دشوار)

۶۳. گزینه ۴ درست است.

بررسی عبارات نادرست:

(ب) در دوره سلجوقی شکلی از زمین‌داری که در دوره حکومت آل بویه رایج بود، گسترش یافت.

(پ) در دوره سلجوقی تجارت داخلی و خارجی به‌طور چشمگیری رشد کرد.

(تاریخ (۲) - درس ۱۰، ص ۱۰۹، ۱۱۰ و ۱۱۱؛ سطح دشواری: دشوار)

۶۴. گزینه ۳ درست است.

در عصر غزنوی شعر فارسی به اوج خود رسید.

سنایی، انوری، خاقانی و عطار از مشهورترین شاعران و نویسندگان عصر سلجوقی و خوارزمشاهی بودند.

با رشد شهرها، تأسیس و توسعه مراکز آموزشی و نفوذ روز افزون دیوان‌سالاران ایرانی در دستگاه اداری حکومت سلجوقی و جذب شعرا و نویسندگان به دربارهای مختلف، فرصت مناسب برای توسعه هرچه بیشتر زبان و ادبیات فارسی فراهم آمد.

(تاریخ (۲) - درس ۱۰، ص ۱۱۰ و ۱۱۱؛ سطح دشواری: متوسط)

۶۵. گزینه ۱ درست است.

گسترش قلمرو، حکومت فراگیر، توسعه شهرنشینی، رشد اقتصادی و حمایت دولتمردان در شکوفایی هرچه بیشتر معماری و هنر دوران سلجوقی تأثیر به‌سزایی داشته است.

(تاریخ (۲) - درس ۱۰، ص ۱۱۲ و ۱۱۳؛ سطح دشواری: متوسط)

## جغرافیا (۲)

۶۶. گزینه ۱ درست است.

عبارت «الف» مربوط به فعالیت نوع اول و عبارت «ب» مربوط به نوع چهارم است.

به جدول زیر توجه کنید:

نوع فعالیت	توضیحات
اول	با استخراج و به‌دست آوردن مواد خام یا محصول از زمین یا دریا سروکار دارند.
دوم	طی آن‌ها مواد اولیه و منابع در کارخانه‌ها تغییر شکل می‌یابند. (صنعت)
سوم	در فرآیند آن‌ها خدماتی به دیگران ارائه می‌شود.
چهارم	بخشی از فعالیت‌های اقتصادی که فراهم‌کننده خدمات مربوط به جمع‌آوری و پردازش اطلاعات و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و پژوهش و تحقیق و توسعه است.

(جغرافیا (۲) - درس ۷؛ سطح دشواری: آسان)

۶۷. گزینه ۴ درست است.

در کشاورزی تجاری، تولید محصول کشاورزی یا پرورش دام به منظور فروش در بازارهای داخلی یا صادرات به کشورهای دیگر و با هدف کسب سود انجام می‌شود. در این نوع کشاورزی، معمولاً از فناوری‌های پیشرفته و ابزارآلاتی مانند تراکتور و ... استفاده می‌شود. این نوع کشت به سرمایه بسیار نیاز دارد و میزان تولید محصول نیز در آن زیاد است. کشاورزی تجاری به دنبال رشد جمعیت در جهان گسترش یافته است و هم در کشورهای پیشرفته و هم در کشورهای کمتر توسعه یافته جهان رواج دارد.

(جغرافیا (۲) - درس ۷؛ سطح دشواری: متوسط)

۶۸. گزینه ۲ درست است.

بررسی عبارت‌های نادرست:

الف) این ناحیه در آلمان و مربوط به اروپای غربی است.

پ) این عبارت درباره فیلیپین و پاکستان درست است.

(جغرافیا (۲) - درس ۷؛ سطح دشواری: دشوار)

۶۹. گزینه ۳ درست است.

یک «ناحیه فرهنگی» بخشی از سطح زمین است که در آن فرهنگ ویژه‌ای (نوع خاص زبان، دین، هنر و معماری، عقاید، نوع بهره‌برداری از محیط طبیعی، سبک زندگی روزانه، غذا، لباس و ...) غالب است و به سبب همان فرهنگ ویژه از سایر نواحی جدا می‌شود. بررسی گزینه‌های نادرست:

(۱) مطالعه نواحی فرهنگی را بیان می‌کند.

(۲ و ۴) مطالب بیان شده به بخشی از شاخص فرهنگی، یعنی زبان اشاره دارد.

(جغرافیا (۲) - درس ۶، ص ۶۹؛ سطح دشواری: متوسط)

۷۰. گزینه ۱ درست است.

به طور کلی: یکی از مهم‌ترین تغییرات تاریخی در الگوهای زبانی جهان در قرن ۱۵ و ۱۶ میلادی معروف به «عصر اکتشافات جغرافیایی» آغاز شد. وقتی اروپاییان با پیشرفت در دریانوردی، سرزمین‌های نو را کشف کردند، در آمریکای شمالی، استرالیا و نیوزیلند، زبان انگلیسی گسترش یافت؛ در مستعمرات آن‌ها در قاره‌های آفریقا، آمریکای جنوبی و بخش‌هایی از آسیا نیز زبان‌های انگلیسی، اسپانیایی، پرتغالی و فرانسوی رواج پیدا کرد. «الف» و «پ»

در قرن بیستم و بیست و یکم، با پیشرفت‌های صنعتی و گسترش ارتباطات، برخی زبان‌ها مانند انگلیسی در سراسر جهان به کار گرفته شد. (ب) امروزه از زبان انگلیسی در اغلب نرم‌افزارهای رایانه‌ای، برای پایش رفت و آمد هواپیماها و کشتی‌ها، و نیز در متون علمی و تحقیقاتی بین‌المللی استفاده می‌شود. (ت)

بررسی گزینه‌های نادرست:

در سایر گزینه‌ها موارد از نظر زمانی جابه‌جا نوشته شده است.

(جغرافیا (۲) - درس ۶، ص ۷۱؛ سطح دشواری: دشوار)

۷۱. گزینه ۲ درست است.

پ) در بین عناصر فرهنگی، دین نقش مهمی در خلق چشم‌اندازهای فرهنگی دارد. پیروان یک دین با توجه به باورها و اعتقادات خود، چشم‌اندازهای خاصی را در قالب معماری، هنر، نقاشی، مجسمه‌سازی، ایجاد مکان‌های مقدس و زیارتگاهی به وجود می‌آورند.

ت) انسان‌ها با تغییراتی که در محیط‌های طبیعی به وجود می‌آورند، «چشم‌اندازهای فرهنگی» خلق می‌کنند. فرهنگ هر ناحیه، موجب به وجود آمدن چشم‌اندازهای خاصی در آن ناحیه می‌شود.

بررسی عبارات نادرست:

الف) زبان، عنصر اصلی گسترش یک فرهنگ است؛ زیرا انسان‌ها از طریق آن، اطلاعات، تجربه‌ها، ارزش‌ها و آداب و رسوم خود را به دیگران و به نسل بعدی منتقل می‌کنند.

ب) شباهت در یک یا چند عامل فرهنگی، هر ناحیه را از نواحی دیگر متمایز می‌کند.

(جغرافیا (۲) - درس ۶، ص ۷۳ تا ۷۵؛ سطح دشواری: متوسط)

۷۲. گزینه ۳ درست است.

کشور غاصب و اشغالگر که سرزمین مشخصی نداشته است با اشغال فلسطین تلاش دارد تا فرهنگ و هویت ملی و بومی فلسطینیان را در این سرزمین از بین برده و هویت جدیدی را از طریق سلطه بر این ناحیه تحمیل کند. بررسی گزینه‌های نادرست:

(۱) اغلب کشورهای جهان یا نواحی سعی می‌کنند زبان ملی و زبان‌های بومی و محلی خود را حفظ کنند تا هویت فرهنگی‌شان پایرجا بماند.

(۲) در گذشته، جنگ‌ها و دادوستد میان نواحی نقش مهمی در پدیدهٔ پخش فرهنگی داشته است.

(۴) یکی از موضوعات مورد توجه جغرافی‌دان‌ها، اهمیت تنوع جغرافیایی زبان‌ها است. امروزه در اثر رشد ارتباطات و فناوری اطلاعات، برخی از زبان‌ها در جهان غلبهٔ بیشتری پیدا کرده‌اند.

(جغرافیا (۲) - درس ۶، ص ۸۱؛ سطح دشواری: دشوار)

۷۳. گزینه ۴ درست است.

بررسی عبارات نادرست:

(ب) صنایع نو با فعالیت‌های اقتصادی نوع چهارم، ارتباط نزدیکی دارند.

(ت) صنایع کارخانه‌ای در همهٔ کشورها وجود دارند.

(جغرافیا (۲) - درس ۷، ص ۹۶؛ سطح دشواری: متوسط)

۷۴. گزینه ۳ درست است.

توضیح عبارت نادرست:

مهم‌ترین نواحی صنعتی اروپا در غرب این قاره قرار دارد.

(جغرافیا (۲) - درس ۷، ص ۹۵؛ سطح دشواری: آسان)

۷۵. گزینه ۲ درست است.

بررسی گزینهٔ نادرست:

بخش خدمات، فعالیت‌های متنوعی را در بر می‌گیرد و گسترش فعالیت‌های خدماتی بر چشم‌انداز و منظرهٔ شهرها تأثیر می‌گذارد. یکی از فعالیت‌های مهم بخش خدمات، تجارت است که نقش مهمی در اقتصاد جهان دارد.

(جغرافیا (۲) - درس ۷، ص ۹۵ تا ۹۸؛ سطح دشواری: متوسط)

**فلسفه (۱)**

۷۶. گزینه ۴ درست است.

از نظر سقراط، راز سخن و پیام سروش معبد دلفی آن است که «داناترین شما آدمیان، کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی‌داند.»

سایر گزینه‌ها به‌جای خود درست هستند؛ اما آن‌ها راز سروش معبد دلفی نیستند. پس سایر گزینه‌ها پاسخ موردنظر نیستند.

(درس ۵ - ص ۴۰؛ سطح دشواری: آسان)

۷۷. گزینه ۱ درست است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲» پاسخ درست نیست؛ زیرا سقراط هیچ کتابی ننوشت، بلکه از طریق افلاطون، از اندیشه‌های او باخبر هستیم.

گزینه «۳» پاسخ درست نیست؛ زیرا جامعهٔ آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه‌های سوفسطائیان بود.

گزینه «۴» درست نیست؛ زیرا سقراط بود که برای اولین بار بر علیه سوفسطائیان قیام نموده و مغالطه‌های آنان را آشکار نمود.

(درس ۵ - ص ۳۷؛ سطح دشواری: آسان)

۷۸. گزینه ۴ درست است.

سقراط هم چهره‌ای مثبت و محبوب بود و هم چهره‌ای چالش‌برانگیز داشت که مدعیان دانش را رسوا می‌کرد ولی دلیل عدم

باور محاکمهٔ سقراط، محبوبیتی بود که در بین مردم مخصوصاً جوانان داشت.

(درس ۵ - ص ۳۷؛ سطح دشواری: آسان)

۷۹. گزینه ۲ درست است.

سقراط پیوسته درباره مسائل روزمره زندگی می‌اندیشید و با مردم سخن می‌گفت. افلاطون نشان می‌دهد که سقراط عمر خویش را مصروف اصلاح جامعه و شناساندن افکار مغالطه‌آمیز سوفیست‌ها کرد. چون سوفسطائیان هم علم و هم اخلاق را تضعیف کرده بودند، قهرمانی به نام سقراط پرچم علم و فضیلت را برافراخت (رد گزینه ۴) و او برای احیای تفکر عقلانی و استواری فضیلت قیام کرد (رد گزینه ۱) و شالوده تفکر فلسفی اصیل را استوار ساخت. (رد گزینه ۳)

(درس ۵ - ص ۳۷؛ سطح دشواری: متوسط)

۸۰. گزینه ۳ درست است.

سقراط این چنین از قیاس استثنایی متصل بهره می‌برد:  
مقدمه اول: اگر کسی به صفات و آثار خدا معتقد باشد، آنگاه به خود خدا معتقد است.  
مقدمه دوم: من به صفات و آثار خدا معتقدم. (منظور علم، قدرت و عدالت فوق بشری است)  
نتیجه: پس، من به خدا معتقدم.  
(درس ۵ - ص ۴۱؛ سطح دشواری: متوسط)

۸۱. گزینه ۲ درست است.

امکان معرفت، امری کاملاً بدیهی است و هیچ نیازی به استدلال ندارد و اصلاً نمی‌توان برای امکان معرفت، استدلال کرد چون استدلال کردن، ابتدا نیاز به معرفت دارد؛ یعنی تا تصدیق‌های معلومی که به آن‌ها معرفت داریم نباشند، نمی‌توانیم استدلال بکنیم.  
گزینه ۱ «پاسخ درست نیست. طبق توضیحی که برای گزینه ۲» داده شد، امکان معرفت امری کاملاً بدیهی است و نیازی به استدلال ندارد.

گزینه ۳ «درست نیست؛ زیرا همیشه مسئله شناخت مورد توجه اندیشمندان بوده است، اما ابتدا به صورت مستقل مطرح نمی‌شده است؛ بلکه در ضمن مباحث فلسفی مورد بحث قرار می‌گرفته است.

گزینه ۴ «پاسخ درست نیست؛ زیرا درست است که معرفت‌شناسی همیشه جزئی از فلسفه بوده است، اما از همان اول به صورت مستقل مطرح نمی‌شده؛ بلکه در ضمن مباحث فلسفی طرح می‌شده است و از دوره جدید اروپاست که معرفت‌شناسی به صورت مستقل مطرح شده است.

(درس ۶ - ص ۴۶؛ سطح دشواری: آسان)

۸۲. گزینه ۳ درست است.

چون در این گزینه مسئله معرفت‌شناختی مورد سؤال قرار نگرفته است؛ بلکه زمان مورد بحث قرار گرفتن آن یعنی تاریخ معرفت‌شناسی مورد پرسش است نه خود شناخت و معرفت.  
سه گزینه دیگر همگی سؤال‌های مربوط به حوزه معرفت‌شناسی است.  
(درس ۶ - ص ۴۶؛ سطح دشواری: متوسط)

۸۳. گزینه ۱ درست است.

تشخیص خطای خود و تصحیح آن، نشانه توانایی و امکان شناخت است و تأییدی بر ارزش شناخت است (رد گزینه‌های ۲ و ۴).  
از سوی دیگر، گفت‌وگو و بحث برای قانع کردن طرف مقابل بیانگر آن است که هر دو می‌پذیرند که امکان شناخت برای انسان وجود دارد. البته می‌تواند هر دو دیدگاه نادرست باشد یا راهی برای تشخیص نادرستی یا درستی نظرها یافت یا می‌توان دیدگاه درست را اثبات کرد یا به دیگری انتقال داد.  
(ص ۶؛ سطح دشواری: متوسط)

۸۴. گزینه ۳ درست است.

به‌طور کلی مفهوم معرفت، مفهومی کاملاً بدیهی است و بی‌نیاز از تعریف و همچنین امکان ندارد. مفهوم معرفت را می‌توان تعریف کرد چون تعریف، وقتی امکان دارد که ما معرفت داشته باشیم، یعنی تا تصورات معلومی که به آن‌ها معرفت داریم نباشند، تعریف هم امکان ندارد؛ پس تعریف وقتی امکان دارد که ما هم مفهوم معرفت را داشته باشیم و هم چند تصویری که به آن معرفت داریم. همچنین امکان معرفت که امکان معرفت امری کاملاً بدیهی و روشن و بی‌نیاز از استدلال است و اصلاً استدلال برای امکان معرفت محال است؛ چون استدلال وقتی ممکن است که ما چند تصدیق معلوم که به آن‌ها معرفت داریم، داشته باشیم تا استدلال کنیم؛ پس نه مفهوم معرفت قابل تعریف است و نه امکان معرفت قابل استدلال بلکه هر دو مورد امری کاملاً بدیهی و روشن هستند.  
براساس توضیح داده‌شده فقط گزینه ۳ «درست است و سایر گزینه‌ها نادرست هستند».



مفهوم معرفت بی نیاز تعریف است و نمی‌توان آن را تعریف کرد و امکان معرفت بی‌نیاز از استدلال است و نمی‌توان برایش استدلال کرد.

(درس ۶ - ص ۴۶؛ سطح دشواری: متوسط)

۸۵. گزینه ۴ درست است.

چون تشخیص خطای حسی خود، دلیل بر اعتبار شناخت حسی است و اگر شناختی از حقیقت نداشتیم، اصلاً شناخت و تشخیص خطای حسی محال بود. سایر گزینه تعارضی با هم ندارند بلکه هر سه گزینه با گزینه «۴» در تعارض هستند.

(درس ۶ - ص ۴۵؛ سطح دشواری: متوسط)

۸۶. گزینه ۱ درست است.

شناخت حسی به قدری برای ما معتبر است که بر پایه آن زندگی می‌کنیم و از اشیای طبیعی بهره می‌بریم. ابزار شناختی انسان برای تشخیص تفاوت و تمایز اشیاء در طبیعت و استفاده از آن‌ها شناخت حسی است، بر این اساس سایر گزینه‌ها نادرست هستند.

(درس ۷ - ص ۵۱؛ سطح دشواری: آسان)

۸۷. گزینه ۲ درست است.

این شناخت، شناخت تجربی است چون عقل بعد از دریافت حسی تقارن یا توالی دو پدیده انبساط آهن در مجاورت حرارت، بعد از تحلیل عقلانی این دو پدیده، به وجود رابطه علیت در بین آن‌ها پی برده و حکم کلی صادر می‌کند که آهن در کنار حرارت منبسط می‌شود یعنی حرارت، علت انبساط آن است.

گزینه «۱» پاسخ درست نیست؛ زیرا درک شادی در لحظه شادی شناختی قلبی و شهودی است؛ به‌طور کلی همه علوم حضوری شناخت قلبی و شهودی هستند.

گزینه «۳» درست نیست؛ زیرا درک رابطه علیت درک و شناختی عقلانی است و ابزار شناختی حس نمی‌تواند درک رابطه علیت کند.

گزینه «۴» پاسخ درست نیست؛ زیرا دیدن صد درجه حرارت و جوش آمدن آب، شناختی حسی و جزئی است. در این گزاره صحبت از علت جوش آمدن آب یا صد درجه حرارت به‌طور کلی نیست؛ بلکه فقط حس دو پدیده را همزمان گزارش می‌دهد. پس این شناخت، شناخت حسی است نه تجربی. شناخت تجربی بعد از این شناخت شروع می‌شود یعنی روی این داده حسی تحلیل عقلانی نموده و به شناخت تجربی می‌رسد و می‌گوید که علت جوش آمدن آب، رسیدن به صد درجه حرارت است.

(درس ۷ - ص ۵۲؛ سطح دشواری: دشوار)

۸۸. گزینه ۲ درست است.

قدرت و توانایی عقل به انسان امکان می‌دهد تا یافته‌هایی سودمند درباره کل هستی که امکان درک تجربی آن هیچ‌گاه نیست، به‌دست بیاورد و این یافته‌های عقلانی را اساس سایر دانش‌ها قرار دهد و پایه‌های زندگی خویش را بر آن‌ها استوار سازد. انسان برای فهم این یافته‌ها به دانش فلسفه نیاز دارد.

(درس ۷ - ص ۵۴؛ سطح دشواری: متوسط)

۸۹. گزینه ۳ درست است.

اعتبار شناخت حسی دو دلیل است. ۱- تشخیص تفاوت‌ها و تمایزهای اشیاء و استفاده متناسب با هر کدام از آن‌ها ۲- امکان تشخیص خطاهای شناخت حسی. همین که ما می‌توانیم خطاهای حسی خود را تشخیص بدهیم دلیل بر اعتبار شناخت حسی است؛ زیرا تشخیص خطا بدون تشخیص حقیقت و معیارهای تشخیص آن امکان ندارد.

گزینه «۱» پاسخ درست نیست؛ زیرا شناخت عقلی هم می‌تواند امور محسوس و طبیعی را شامل شود و هم امور غیرمحسوس و غیرطبیعی را.

گزینه «۲» پاسخ درست نیست؛ زیرا ارسطو از اولین دانشمندانی است که مبانی علوم تجربی را پایه‌گذاری کرد.

گزینه «۴» پاسخ درست نیست؛ زیرا مبانی فلسفی و عقلی علوم تجربی با تفکر فلسفی تبیین می‌شود که هرکسی می‌تواند با تفکر فلسفی این مبانی را بررسی کند. یعنی دانشمند علم تجربی می‌تواند با تفکر فلسفی، خودش را یا در خصوص مبانی فلسفی و عقلی علوم تجربی ببیند و آن‌ها را تبیین عقلانی کند و یا می‌تواند روی اندیشه‌های اندیشمندان دیگر ببیند و اندیشه بهتر را برگزیند. یعنی اندیشیدن در خصوص مبانی فلسفی و عقلی علوم طبیعی در انحصار فقط فیلسوف نیست.

(درس ۷ - ص ۵۳ و ۵۴؛ سطح دشواری: متوسط)

۹۰. گزینه ۲ درست است.

شناخت قلبی را بدان علت، شناخت شهودی می‌گویند که قلب انسان حقیقت را چنان درمی‌یابد که گویا با چشم می‌بیند. عارف و سالک الی‌الله ممکن است بتواند در همین دنیا آخرت را مشاهده کند. علاوه بر عالم طبیعت سایر عوالم را مشاهده نماید و وجود فرشتگان را هم واقعاً بباید. این قبیل مشاهدات از نوع شهود قلبی است و از راه چشم و حس به دست نمی‌آید. گزینه «۱» نادرست است؛ زیرا شناخت قلبی هم ممکن است دچار خطا بشود. تنها مرحله وحی که عالی‌ترین و بالاترین درجه شهود قلبی است دور از خطا و اشتباه است.

گزینه «۳» نادرست است؛ زیرا هر کسی نمی‌تواند به بالاترین درجه شهود قلبی که مخصوص پیامبران است، برسد. گزینه «۴» نادرست است؛ زیرا معرفت شهودی از طریق تقویت ایمان و تعالی بخشیدن به نفس و تهذیب آن و کمال‌طلبی همراه با عبادات خالصانه، به تدریج و گام‌به‌گام حاصل می‌شود نه به‌صورت آنی و دفعی. (درس ۷ - ص ۵۴ و ۵۵؛ سطح دشواری: متوسط)

**روان‌شناسی**

۹۱. گزینه ۲ درست است.

- مسئله یک فرآیند و جریان تحت کنترل است ← در جریان حل یک مسئله، هر چه جدی‌تر باشیم، احتمال انتخاب راه‌حل بهتر، بیشتر است.

- در مسئله، توانمندی‌های ما محدود است ← عدم شناسایی دقیق توانمندی‌ها باعث استفاده از راه‌حل غیرمنطقی می‌شود (مانند دانش‌آموزی که با حفظ صرف مطالب، می‌خواهد نتیجه عالی در امتحان بگیرد (بدون برنامه‌ریزی و مطالعه کافی)).

- در مسئله موقعیت فعلی یا مبدأ باید مشخص باشد ← تا بتوانیم موانع احتمالی را بشناسیم و راه‌حل‌های بهتری ارائه دهیم (مانند در ترک سیگار، دانستن تعداد سیگارهایی که روزانه می‌کشیم، کمک بهتری به ترک می‌کند).

- مسئله هدفمند است ← وقتی هدف مسئله روشن نباشد، درک از مسئله ناقص خواهد بود (هدف باید به صراحت تعریف شود). (درس ۵، ص ۱۱۶؛ سطح دشواری: متوسط)

۹۲. گزینه ۳ درست است.

در مسئله‌های خوب تعریف‌شده، شناسایی موقعیت اولیه، فهرست اقدام‌ها، تعریف دقیق هدف و امکان تضمین دستیابی یا عدم دستیابی به هدف امکان‌پذیر است. مسئله‌های علوم انسانی از نوع خوب تعریف‌نشده هستند. اما سایر مسائل از نوع خوب تعریف‌شده هستند. بنابراین عبارات سوم و چهارم از نوع خوب تعریف‌شده هستند.

اما عبارات اول، دوم و پنجم از نوع خوب تعریف‌نشده هستند؛ زیرا دلایل آن‌ها متنوع و پیچیده هستند (از نوع مسئله‌های علوم انسانی با دلایل پیچیده هستند).

(درس ۵، ص ۱۱۸ و ۱۱۹؛ سطح دشواری: دشوار)

۹۳. گزینه ۱ درست است.

- مرحله اول حل مسئله ← تشخیص مسئله ← علی با خود می‌گوید: مسئله من این است که چگونه نمره مناسبی در درس عربی بگیرم. (ب)

- مرحله دوم حل مسئله ← به کارگیری راه‌حل مناسب ← علی از روش خرد کردن برای مطالعه درس عربی استفاده می‌کند. (پ)

- مرحله سوم حل مسئله ← ارزیابی راه‌حل ← علی نمرات درس عربی خود را قبل و بعد از به کارگیری روش خرد کردن با هم مقایسه می‌کند. (الف)

- مرحله چهارم حل مسئله ← بازبینی و اصلاح راه‌حل ← علی روش خرد کردن را بهبود می‌بخشد و معایب آن را رفع می‌کند (در جدول ذکر نشده است).

- مرحله پنجم حل مسئله ← انتخاب راه‌حل‌های جایگزین ← علی متوجه می‌شود که روش خرد کردن به تنهایی برای مطالعه و گرفتن نمره خوب، کافی نیست و باید بر پیش‌نیازهای ابتدایی درس خود مسلط شود. (ت)

(درس ۵، ص ۱۱۹ و ۱۲۰؛ سطح دشواری: دشوار)

۹۴. گزینه ۲ درست است.

- عبارت اول، به انتقال اشاره دارد؛ زیرا تأثیر یادگیری‌های گذشته را نشان می‌دهد، یعنی کسی که نقاشی ماشین را بلد است، زودتر صافکاری را یاد می‌گیرد.

- عبارت دوم، به اثر نهفتگی اشاره دارد، یعنی نادیده گرفتن حل مسئله برای مدت زمانی مشخص که باعث یافتن پاسخ سوالات امتحانی شده است.

- عبارت سوم، به نوع نگاه به مسئله اشاره دارد که باعث اکتشافات و اختراعات جدید می‌شود.

(درس ۵، ص ۱۲۱ تا ۱۲۳؛ سطح دشواری: متوسط)

۹۵. گزینه ۳ درست است.

هر سه گزینه (۱، ۲ و ۴) اشاره به روش اکتشافی حل مسئله دارد؛ زیرا براساس نظر و احساس شخصی (حدس زدن، خوش آمدن و بازی گل یا پوچ) است. اما در گزینه (۳)، روش به کار گرفته شده تحلیلی است؛ زیرا مبتنی بر نیازسنجی و محاسبات ذهنی است، یعنی عرفان براساس نیاز پدرش برای او کتاب می‌خرد.

(درس ۵، ص ۱۲۴؛ سطح دشواری: متوسط)

۹۶. گزینه ۱ درست است.

- روش تحلیلی حل مسئله نیاز به پردازش عمیق اطلاعات دارد - زمان بر است - مورد قبول همگان است و مبتنی بر محاسبات ذهنی و قواعد منطقی است.

اما روش‌های اکتشافی حل مسئله از جمله بارش مغزی، خرد کردن و مهندسی معکوس در حداقل زمان به نتیجه می‌رسند، دستیابی به راه‌حل را تضمین نمی‌کنند، اعتبارشان با گذشت زمان متزلزل می‌شود و براساس نظر و احساس شخصی هستند.

(درس ۵، ص ۱۲۴ و ۱۲۵؛ سطح دشواری: دشوار)

۹۷. گزینه ۴ درست است.

در اینجا خانم مرادی، با تغییر وضعیت مکانی اولیه و وضعیت مکانی فعلی، مسئله را برای خودش روشن‌تر نموده است؛ پس تفاوت وضعیت موجود (یعنی بودن در اتاق کارش) و وضعیت مطلوب (رفتن به حیاط مدرسه برای بررسی صدا) را کاهش داده است.

(درس ۵، ص ۱۲۶ و ۱۲۷؛ سطح دشواری: آسان)

۹۸. گزینه ۳ درست است.

مرحله اول روش بارش مغزی ← تعریف مسئله ← عبارت سوم

مرحله دوم روش بارش مغزی ← ارائه راه‌حل‌های مختلف ← عبارت اول

مرحله سوم روش بارش مغزی ← ارائه معیار برای داوری ← عبارت دوم

مرحله چهارم روش بارش مغزی ← با استفاده از معیارها، بهترین راه‌حل ارائه می‌شود ← عبارت چهارم

(درس ۵، ص ۱۲۸؛ سطح دشواری: دشوار)

۹۹. گزینه ۲ درست است.

عبارت اول ← ناتوانی در حل مسئله، وضعیت عاطفی ناخوشایندی را ایجاد می‌کند که ناکامی نام دارد.

عبارت دوم ← بسیاری از افرادی که احساس شکست می‌کنند، مشکلات عاطفی جدی ندارند.

عبارت سوم و چهارم درست هستند.

(درس ۵، ص ۱۳۰ و ۱۳۱؛ سطح دشواری: متوسط)

۱۰۰. گزینه ۱ درست است.

مسئله عبارت است از عدم دستیابی فوری به یک هدف مشخص به‌دلیل موانع مشخص با توجه به امکانات و توانمندی‌های محدود.

(درس ۵، ص ۱۱۶؛ سطح دشواری: متوسط)

۱۰۱. گزینه ۳ درست است.

تعریف دقیق هدف در مسائل خوب تعریف‌نشده دشوارتر از مسائل خوب تعریف‌شده است. هر سه گزینه (۱، ۲ و ۴) مسائل خوب تعریف‌شده هستند؛ زیرا دلایل مشخص دارند؛ اما گزینه (۳) مربوط به علوم انسانی که مسئله‌ای پیچیده و دارای دلایل متعدد است و مسئله‌ای خوب تعریف‌نشده محسوب می‌شود؛ بنابراین تعریف دقیق هدف در این مسئله دشوارتر از سایر مسائل است.

(درس ۵، ص ۱۱۸ و ۱۱۹؛ سطح دشواری: دشوار)

۱۰۲. گزینه ۲ درست است.

۱- تشخیص مسئله ۲- به کارگیری راه حل مناسب ۳- ارزیابی راه حل ۴- بازبینی و اصلاح راه حل ۵- انتخاب راه حل های جایگزین (درس ۵، ص ۱۱۹؛ سطح دشواری: متوسط)

۱۰۳. گزینه ۳ درست است.

روش حل مسئله زهرا از نوع بارش مغزی و روش اکتشافی است که این نوع روش مورد قبول همگان نیست. اما روش حسین از نوع تحلیلی و مبتنی بر نیازسنجی و محاسبات و قواعد منطقی است به همین دلیل دستیابی به راه حل را تضمین می کند. بررسی سایر گزینه ها:

(۱) روش زهرا، اکتشافی و روش حسین از نوع تحلیلی است.

(۲) روش حل مسئله زهرا اکتشافی است؛ پس در زمان کوتاه به نتیجه می رسد؛ اما روش حسین تحلیلی و زمان بر است.

(۴) روش زهرا مبتنی بر نظر و احساس شخصی است، اما روش حسین تحلیلی و براساس محاسبات و قواعد منطقی است. (درس ۵، ص ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۸؛ سطح دشواری: دشوار)

۱۰۴. گزینه ۱ درست است.

عبارت اول ← روش شروع از آخر در مسائل ریاضی بیشترین کاربرد را دارد.

عبارت دوم ← پیامدهای ناتوانی در حل مسئله ← ناکامی و فشار روانی

عبارت سوم ← در مسئله برج هانوی در هر حرکت، تنها یک صفحه باید حرکت داده شود.

عبارت چهارم ← در روش خرد کردن، یک مسئله بزرگ به چند مسئله کوچک تقسیم می شود.

(درس ۵، ص ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸ و ۱۳۰؛ سطح دشواری: متوسط)

۱۰۵. گزینه ۴ درست است.

هر سه گزینه ۱ (قضاوت) ۲ (تصمیم گیری) و ۳ (حل مسئله) مربوط به تفکر هستند.

اما گزینه ۴ (یعنی مرور خاطرات، مربوط به حافظه است.

(درس ۵، ص ۱۱۴؛ سطح دشواری: آسان)

### عربی

۱۰۶. گزینه ۱ درست است.

«آمنوا» با توجه به «یا ایُّهَا»: ایمان آورده اید، ترجمه می شود. (ردّ گزینه های ۲، ۳)

پروردگارتان در گزینه چهارم سبب (ردّ گزینه ۴)

(درس ۵، ص ۶۵؛ سطح دشواری: متوسط)

۱۰۷. گزینه ۳ درست است.

«كانت تتصحنى» ماضی استمراری به معنی «مرا نصیحت می کرد»؛ (ردّ گزینه های ۱، ۲ و ۴)

وفائی: «وفایم» (ردّ گزینه ۱)، بالعهد: «به عهد» (ردّ گزینه ۴)

(درس ۵، ص ۶۶؛ سطح دشواری: متوسط)

۱۰۸. گزینه ۴ درست است.

«لانتغزوا» فعل نهی به معنی «فریب نخورید» (ردّ گزینه های ۲، ۳)

«تعود»: فعل ماضی به معنی عادت کرده است؛ «صیامه»: به معنی «روزه اش» (ردّ گزینه ۱)

(درس ۵، ص ۷۳؛ سطح دشواری: متوسط)

۱۰۹. گزینه ۲ درست است.

«برنامجا» نکره و مفرد (ردّ گزینه های ۱، ۳)

«يساعد» فعل مضارع بعد از نکره (جمله وصفی) که باید به صورت «ماضی استمراری ترجمه شود و بین دو جمله حرف «که» بیاید (ردّ گزینه ۴)

(درس ۵، ص ۷۵؛ سطح دشواری: آسان)

۱۱۰. گزینه ۳ درست است.  
 «أَخَذَ يُنَادِي»: شروع به صدا زدن کرد. (ردّ گزینه ۱)  
 «يُحْكِي»: فعل مجهول «حکایت می‌شود» (ردّ گزینه ۲)  
 «أَبْدَلُ»: عوض می‌کنم (ردّ گزینه ۴)  
 (درس ۵، ص ۶۶ و ۷۲؛ سطح دشواری: دشوار)
۱۱۱. گزینه ۴ درست است.  
 «سَيَّارَةٌ، بِسْرَعَةٍ»: نکره و باید نکره ترجمه شود «ماشینی، با سرعتی»  
 (متن درس ۵، ترکیبی؛ سطح دشواری: دشوار)
۱۱۲. گزینه ۱ درست است.  
 ترجمه «راضی ساختن مردم، هدفی است که به دست آورده نمی‌شود» در گزینه یک گفته: در هدف مردم رضایت نیست. ارتباطی ندارد.  
 (درس ۵، ص ۶۹؛ سطح دشواری: متوسط)
۱۱۳. گزینه ۲ درست است.  
 «أَيْنِدَةٌ مَنفِي حَتْمًا بِأ حَرْفِ «لَنْ» اسْت؛ (ردّ گزینه ۱)  
 در گزینه دو جای مبتدا و خبر جابه‌جا شد، «الصدیق» باید به صورت نکره باشد.  
 در گزینه چهارم ضمیر «ما» در عبارت نیامد و همچنین «مکان‌های هلاکت» به صورت مفرد آمد  
 (درس ۵، ص ۷۵؛ سطح دشواری: متوسط)
۱۱۴. گزینه ۴ درست است.  
 گزینه چهار «يَتَجَلَّى» صحیح آن «يَتَجَلَّى»، «الإعمال» صحیح آن «الأعمال»  
 (متن درس ۵ و تمرین‌ها؛ سطح دشواری: متوسط)
۱۱۵. گزینه ۱ درست است.  
 جمله وصف بعد از اسم نکره می‌آید. (گزینه ۱)  
 جمله وصفی حتما در عبارت دو جمله‌ای است و نباید بین دو جمله حرف (ف، و، آن، حتی ...) باشد. (ردّ سایر گزینه‌ها)  
 (درس ۵، ص ۷۱؛ سطح دشواری: متوسط)
۱۱۶. گزینه ۴ درست است.  
 فقط در گزینه چهارم قبل فعل حرف «ف» آمده که جمله وصفی نیست. (درس پنجم ترکیبی - سطح دشواری: متوسط)
۱۱۷. گزینه ۲ درست است.  
 «الأشجار المثمرة - فريسة أكبر - الذّاكرة القويّة»: صفت به صورت «مفرد» هستند؛ اما در گزینه دوم «تَقْضِمُهَا الجِرادَةُ» جمله وصفی است.  
 (ترکیبی درس ۵؛ سطح دشواری: متوسط)
۱۱۸. گزینه ۳ درست است.  
 (کان + مضارع = ماضی استمراری، در جمله وصفی: فعل ماضی + فعل مضارع = ماضی استمراری با توجه به این قواعد؛ فقط گزینه «۳» ماضی استمرار نیست.)  
 (ترکیبی درس ۵؛ سطح دشواری: آسان)
۱۱۹. گزینه ۳ درست است.  
 سؤال خواسته جمله وصفی‌ای که موصوف (اسم نکره قبل آن) نقش فاعل در جمله داشته باشد؛ که فقط در گزینه ۳ می‌باشد.  
 (درس ۵؛ سطح دشواری: دشوار)
۱۲۰. گزینه ۳ درست است.  
 «يَعْرِضُ»: جمله وصفی «در معرض قرار می‌دهد» چون قبل آن فعل مضارع است، باید به صورت اخباری ترجمه شود.  
 (درس ۵؛ سطح دشواری: متوسط)